

[انقراض نئاندرتال‌ها](#)

هزاران سال پیش و پس از عصر یخبندان، نئاندرتال‌ها که به نوعی اجداد انسان مدرن امروزی محسوب می‌شوند...



جام جم آنلاین: هزاران سال پیش و پس از عصر یخبندان، نئاندرتال‌ها که به نوعی اجداد انسان مدرن امروزی محسوب می‌شوند، برای انطباق با محیط در حال تغییر آن زمان در سراسر آسیا و اروپا سفر کردند و به این ترتیب قلمرو خود را گسترش دادند.

در این بین میان آنها برخوردها و آمیزش‌هایی به وجود آمد. اگرچه بسیاری از انسان‌شناسان معتقدند که اجداد انسان‌های امروزی باعث از بین رفتن نئاندرتال‌ها شده‌اند، اما احتمال بسیار زیادی وجود دارد که حذف نئاندرتال‌ها در هزاران سال قبل و در دوران فوقانی پلیستوسین، در نتیجه ادغام ژن‌های مختلف انسانی که به واسطه جبر فرهنگی و آب و هوایی دو گروه را به هم نزدیک کرد اتفاق افتاده باشد.

مایکل بارتون، استاد دانشکده تکامل انسان و تغییرات اجتماعی دانشگاه آریزونا معتقد است آنچه محققان درباره اجتماع این شکارچیان می‌دانند با آنچه در کتاب‌های درسی درباره آنها نوشته شده تناسب چندانی ندارد.

در اکثر مواقع این جماعت به دلیل خطرهای موجود، علاقه زیادی به دور شدن از خانه‌هایشان نداشته‌اند.

تحقیقات بارتون و ژولین سالواتوره، یکی از محققان دانشگاه کلرادو نشان می‌دهد نئاندرتال‌ها در نتیجه ترکیب عوامل مختلفی از جمله تغییرات فرهنگی از بین رفته‌اند.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تکامل بیولوژیکی تعیین‌کننده فرهنگ دوران پلیستوسین بوده و تأثیرات فرهنگی آن دوره تا امروز بر جامعه بشری مستولی شده است.

محققان از داده‌های باستان‌شناسی برای ردیابی تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اکولوژیکی در رفتار اهالی غرب اوراسیا طی 120 هزار سال قبل استفاده کردند.

مدل‌سازی‌های کامپیوتری نشان داد همچنان که الگوی استفاده از زمین در نئاندرتال‌ها و انسان‌های اولیه طی آخرین دوره یخبندان تغییر کرد، نئاندرتال‌ها و اجداد انسان‌های مدرن شروع به تعامل و آمیزش کردند که منجر به انقراض یکی از این گونه‌ها شد.

با این حال تحقیقات نشان می‌دهد جمعیت‌های دورگه موفق، هنوز حامل ژن‌هایی از گروه‌های منطقه‌ای آن دوران هستند که ناپدید شده‌اند.

محققان برای بررسی احتمال این که دو گروه شاید یکدیگر را ملاقات نکرده باشند، در مدل‌سازی‌ها نقش احتمالی موانع اجتماعی را روی اختلاط این دو گروه بررسی کردند.

آنها دریافتند حتی در صورتی که تابوهای اجتماعی آن زمان صددرصد تأثیرگذار بوده، نمی‌توانسته در طول زمان تفاوتی در اختلاط ژنتیکی دو گروه داشته باشد.

بارتون و همکارانش با مطالعه مصنوعات سنگی به جا مانده از این مردم باستانی به دنبال الگوهای جابه‌جایی این افراد در سراسر غرب اوراسیا طی دوران پلیستوسین بودند.

فناوری مصنوعات سنگی با فناوری‌ای که امروز ما شاهد آن هستیم کاملاً متفاوت است ولی با استفاده از آن می‌توان به نکات مهمی از جمله شکل استفاده از زمین، چگونگی سازماندهی افراد گروه و مسیر حرکت این افراد برای دسترسی به منابع لازم جهت حیات و زنده ماندن پی برد.

بعلاوه این ابزارها بینشی از زندگی نئاندرتال‌ها به ما داده و توالی ژن‌ها هم داستان وراثت آنها را برای ما بیان می‌کند.

توالی دی.ان.ای نئاندرتال‌های باستانی نشان می‌دهد که یک تا چهار درصد ژن‌های نئاندرتال‌ها از ژنوم جمعیت‌های مدرن تشکیل یافته است.

اگرچه نئاندرتال‌ها به عنوان فرمی از انسان‌های منقرض شده محسوب می‌شوند، اما باید گفت که آنها در ژن‌های ما زندگی می‌کنند و میراث آنها در ژنوم بیولوژیکی ما و احتمالاً در دانش فرهنگی ما زنده است.

شاید در اواخر دوره پلیستوسین جمعیت‌های دیگری مانند نئاندرتال‌ها وجود داشته که با گونه‌های جهانی بشر یکپارچه شده و در نتیجه آن ما به وجود آمده‌ایم.

sciencedaily - مترجم: آتنا حسن‌آبادی